

Kingdom in the Gospel of Thomas

Mehran Rahbari¹

(Received on: 2022-08-03; Accepted on: 2023-01-23)

Abstract

The Gospel of Thomas, a recent discovery within the Nag Hammadi Library, has captured the attention of scholars in recent decades. While some Church leaders consider it heretical, most researchers regard it as an authentic text from early Christianity, containing genuine words attributed to Jesus the Nazarene and his esoteric teachings. This unofficial gospel, despite its similarities to official Christian texts, reveals fundamental theological differences. In this study, we utilize passages from the Gospel of Thomas to highlight one such distinction concerning the concept of the “Kingdom.” To clarify the notion of the “Kingdom,” this gospel employs various analogies, including mustard, fire, dough, and shepherd. Unlike the official gospels, it asserts that the Kingdom is not an apocalyptic entity but rather a non-historical concept—something present in the here and now, something internal. The Gospel of Thomas posits that the Kingdom belongs to the Father and is accessible to the poor who earnestly pursue the goal of self-awareness. These are wayfarers who, akin to children, trample selfishness beneath their feet, uniting the inner and outer realms to overcome internal conflicts and achieve unity.

Keywords: Nagaa Hammadi, Gospel of Thomas, early Christianity, Kingdom, unity.

1. PhD, Comparative Religions and Mysticism, Faculty of Law, Department of Theology and Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. Email: mrahbari121@gmail.com

ملکوت در انجیل توماس

مهران رهبری^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳]

چکیده

انجیل توماس یکی از کشفیات کتابخانه «نجع حمادی» است که توجه بسیاری از محققان چند دهه اخیر را به خود جلب کرده است. هرچند برخی از آباء کلیسا آن را بدعت آمیز دانسته‌اند؛ اما بیشتر پژوهشگران آن را متنی اصیل مربوط به صدر مسیحیت می‌دانند که دربرگیرنده سخنان اصیل عیسی ناصری و آموزه‌های باطنی اوست. این انجیل غیررسمی با وجود شباهت‌ها با سایر متون رسمی مسیحیت، به علت منظرگاه الهیاتی‌اش تفاوت‌های اساسی‌ای نیز دارد. در این تحقیق با استفاده از عبارات انجیل توماس به یکی از تفاوت‌های مهم یعنی مفهوم «ملکوت» پرداخته شده است. انجیل توماس برای تشریح مفهوم ملکوت از تشبیهات فراوانی مانند خردل، آتش، خمیر مایه و شبان استفاده کرده است که ضمن آنها بر خلاف اناجیل رسمی، بیان می‌شود ملکوت نه امری آخرالزمانی، بلکه مفهومی غیرتاریخی، اینجا و اکنون و درونی است. انجیل توماس ملکوت را متعلق به پدر و دست یافتنی می‌داند که از آن فقرایی است که در پی مقصود به طلب و جستجو برآمده‌اند و موفق به خودشناسی شده‌اند؛ سالکانی که مانند کودکان، لباس انانیت رازیر پا لگدمال می‌کنند و با یکپارچه‌کردن درون و بیرون و رفع تضادهای درونی خود به وحدت رسیده‌اند.

کلیدواژه‌ها: نجع حمادی، انجیل توماس، مسیحیت نخستین، ملکوت، وحدت.

۱. دانش‌آموخته دکتری رشته ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، mrahbari121@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

حدود هفتاد سال قبل یکی از بزرگ‌ترین کشفیات قرن بیستم رقم خورد. دو برادر در منطقه‌ای به نام نجع حمادی در مصر کوزه‌ای سفالین را یافتند که بعدها معلوم شد ۵۲ رساله از متون کهن مسیحی در آن جای گرفته بود. این نوشته‌ها که بعدها به نام کتابخانه نجع حمادی (Nag Hammadi Library) معروف شدند، دریچه نویی برای شناخت مسیحیت نخستین گشودند؛ متونی که تا قبل از کشف شان تنها نامی از آنها بر جای مانده بود (Ehrman, 2003: 19).

محققان روح حاکم بر این نوشته‌ها را تا حدودی گنوسی و البته عرفانی دانسته‌اند و قدمت نگارش آنها را در حدود قرن چهارم میلادی تخمین زده‌اند (Bets, 2010: 8/692). این اسناد آموزه‌های مسیحیت اولیه و برخی از گنوسیان را هرچند به گونه ناقص ارائه می‌دهد؛ آموزه‌هایی که تا کنون تنها توسط پدران کلیسا روایت شده بودند (Robinson, 1990: ix). حقیقت آن است که تا قبل از این کشفیات پژوهشگران در فهم مسیحیت اولیه با یک مشکل جدی روبرو بودند؛ زیرا تنها منبع آنان سخنان مسیحیت رسمی بوده است که آن هم البته خصمانه و تا حدود زیادی نادرست به نظر می‌رسد. آبای کلیسا بعد از بدعت‌آمیز خواندن این نوشته‌ها، تمام هم‌وغم خود را برای از بین بردن و پاک کردن کلیه آثار گنوسی به کار بسته بودند و همین امر اهمیت کتابخانه نجع حمادی را در جایگاه مجموعه‌ای از متون اولیه مسیحی دوچندان می‌کند (Rudolph, 1987: 51 - 2).

یکی از مهم‌ترین نوشته‌های کتابخانه نجع حمادی که از همان ابتدا توجه پژوهشگران را به خود جلب کرد، انجیل توماس بود؛ متنی کامل در بردارنده ۱۱۴ گفته از عیسی که تا قبل از این کشف فقط در نوشته‌های آبای کلیسا و البته متنی بدعت‌آمیز از آن یاد شده بود؛ برای نمونه هیپولیتوس یکی از پدران کلیسا و متوفای ۲۳۵ م. می‌نویسد: گروهی

بدعت‌گذار با استناد به انجیلی که آن را انجیل توماس می‌نامند، از طبیعتی سخن می‌گویند که هم‌زمان پنهان و آشکار است و آن را ملکوت و بهشت آسمانی دانسته‌اند که باید در وجود انسان جستجو شود (Hippolytus, 1886: 5/89)؛ نیز آریگن یکی دیگر از آباء کلیسا و متوفای ۲۵۴ م. ضمن تأکید بر تصدیق کلیسا به وجود تنها چهار انجیل، بیان می‌کند انجیلی منسوب به توماس را می‌شناسد که جزء انجیل‌های بدعت‌آمیز است (Origen, 1996: 6).

از زمان انتشار انجیل توماس تا کنون بیش از ده‌ها کتاب و صدها مقاله درباره آن به چاپ رسیده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از گفتارهای انجیل توماس به مواردی که در انجیل هم‌نوا یافت می‌شود، شباهت دارد (Ehrman, 2003: 19 - 20)؛ اما واقعیت آن است که این نوشته از نظر لحن و ساختار بسیار متفاوت با سایر نوشته‌های رسمی مسیحیت است. انجیل توماس مطالب روایی بسیار کمی دارد و هیچ گزارشی از مصایب و رستاخیز عیسی مسیحی در آن وجود ندارد و بر خلاف متون رسمی مسیحیت در انجیل توماس نه معجزه‌ای و نه کرامتی یاد نشده است. در این انجیل عیسی برای گناهان هیچ‌کس به صلیب کشیده نشده و نمی‌میرد و در عید پاک نیز از گور برنخاسته و قیام نمی‌کند و به جنبه مسیحایی عیسی اشاره‌ای نمی‌شود (Dunn and Rogerson, 2003: 1573)، بلکه آموزه‌هایی عرفانی بیان می‌شود تا دستگیر رهروان باشد و ایشان را ترغیب کند تا از همان چشمه‌ای معنوی که عیسی نوشیده و سیراب شده، ایشان نیز به اندازه وسع خود بچشند. در جای جای این انجیل غیررسمی بر این نکته که روح در این دنیای مادی اسیر است و رستگاری با فراگیری حقیقت این مخمصه حاصل می‌گردد، تأکید شده است و این عیسی است که می‌گوید: «آن‌که به معنای این سخنان پی ببرد، مرگ را نمی‌چشد» (گفته ۱).^۱

ملکوت در عهد قدیم و جدید

واژه ملکوت به معنای سلطنت و پادشاهی، در انگلیسی معادل (Kingdom) و برگرفته از کلمه لاتین (Regnum) و معادل یونانی آن (Basileia) است. این مفهوم در زبان عبری هم ارز ملخوت (Malkhut) و با نظایر آن مانند مُلک در عربی هم معناست (Safra, 2002: 8/172). هرچند اصطلاح «ملکوت خدا» در عهد عتیق وجود ندارد، مفهوم آن (برای نمونه: اول تواریخ، ۲۹: ۱۰ - ۱۲ یا دانیال، ۴: ۳) به معنای پادشاهی یهوه بر انسان‌ها بسیار پرکاربرد بوده است (Vanhoozer, 2006: 420). پس از تخریب معبد اول این دیدگاه جنبه قومی بیشتری به خود گرفت و مؤمنان یهودی از ملکوت خدا تلقی امری زمینی داشته‌اند و ظهور مسیح را در جایگاه رهایی‌بخش و بنیان‌گذار حکومت بنی اسرائیل معادل آن می‌پنداشتند (Rahner, 2004: 1351). برای بیشتر یهودیان عصر عیسی، جهان به اندازه‌ای از خدا بیگانه به نظر می‌رسید که جز واسطه‌ای که کسی دارای مواهب فراطبیعی (مسیح یا پسر انسان) و شایسته «به‌ارث بردن پادشاهی» بود، نمی‌توانست امور را بهبود بخشد (Leon-Dufour, 1967: 254 - 6).

اما تعبیر و تفسیر ملکوت در عرفان یهودی به‌ویژه طریقه قبالة متفاوت و در جایگاه آخرین سفیره از تجلیات ده‌گانه الهی مطرح است: عنصری زنانه و نماد عروس. ملکوت با اصطلاحی مشابه به نام شخینه^۲ (Shakina) بر حضور همیشگی خدا و منبع اصلی زندگی برای انسان‌ها دلالت دارد و گرچه از منشأ الهی دور افتاده است، گاهی در هیئت موجودی بالدار با مردم اسرائیل زندگی می‌کند و در مبارزات آنها سهیم می‌شود (Crowley, 1994: 138). واژه شخینه در کتاب مقدس نیامده است؛ اما در ادبیات خاخامی و قبالة در معنای ویژگی‌های زنانه حضور خدا بسیار پرکاربرد بوده است (Unterman, 2007: 18/440) (44-؛ اصطلاحی که گرشوم شولم محقق مشهور عرفان یهود، آن را صورت مثالی اجتماع بنی اسرائیل و مهم‌ترین و ماندگارترین نوآوری مکتب قبالة معرفی می‌کند و بیان می‌دارد

شهود شخصینه (یا همان ورود به ملکوت) اولین مرحله‌ای است که در آن پای عارف به عالم باطن گشوده می‌شود (شولم، ۱۳۹۲: ص ۷ - ۴۰۴).

مانند عهد قدیم، مفهوم ملکوت خدا در عهد جدید نیز بسیار مهم می‌نماید؛^۳ اما دیگر نشانی از لحن قوم‌گرایانه یهود در آن دیده نمی‌شود و از آن رو که به درک رابطه خدا، جهان و انسان می‌پردازد، عنصر محوری در آموزه‌های عیسی است که هسته اصلی آن را شکل می‌دهد (Cross, Livingstone, 1997: 930).

کلمه ملکوت در عهد جدید ۱۶۲ بار تکرار شده است که در بیشتر موارد به گونه «ملکوت خدا» و در معدودی موارد به گونه «ملکوت آسمان»^۴ آن هم در انجیل متی به آمده است (Grenz, 2000: 473). در یوحنا نیز اصطلاح ملکوت تنها دوبار و جایگزین مفهوم حیات ابدی شده است (Burge, 2014: 236).

به غیر از موارد معدودی چون متی، ۲۸:۱۲، لوقا، ۱۷:۲۱ و ۱۱:۲۰ که به وجود ملکوت خدا در لحظه اذعان دارند، انتظار وقوع ملکوت خدا در آینده عنصری مهم در اناجیل هم‌نوا و تفکر مسیحیت نخستین بوده است. در رسائل به جامانده از پولس نیز در جایگاه امری که در آینده نزدیک محقق می‌شود، جزء محورهای اصلی است (اول قرن‌تینان، ۱۵: ۵۰) و او با توجه به عهد عتیق، مفهوم ملکوت خدا را در ارتباط با روز «داوری» توصیف می‌کند (عبرانیان، ۱۲: ۲۳)؛ وظیفه‌ای که اعتقادنامه‌های رسولان و نیقیه بر اساس عهد جدید (برای نمونه: یوحنا، ۵: ۲۲؛ اعمال رسولان، ۱۰: ۴۲) آن را بر عهده عیسی می‌دانند (Erickson, 2001: 391 - 2).

با توسعه مسیحیت و فاصله‌گرفتن از زمان زندگی عیسی، دیدگاه‌های متفاوتی درباره مفهوم ملکوت شکل گرفت، برخی آن را امری آخرالزمانی دانستند که هنوز محقق نشده است (9-77: McClymond, 2004) و برخی نیز بر این باور بودند که ملکوت خدا از

همان زمان عیسی آغاز شده است؛ اما مؤمنان مسیحی باید در انتظار ظهور کلی آن در آینده باشند (Chilton, 1998: 255 - 7). واقعیت آن است که تاکنون نیز هیچ اجماعی درباره درک مفهوم «ملکوت خدا» بین محققان مسیحی به وجود نیامده است (Benz, 2008: 158) و هر کسی در بستر محیط‌های مختلف اجتماعی و مذهبی و بنا بر شیوه تفکر الهیاتی خود این اصطلاح را آخرالزمانی تحقق یافته یا آغازشده تفسیر می‌کند (France, 2003: 1 - 2). رسیدن به ملکوت شیوه‌ای برای زندگی مسیحی، روشی برای تبشیر جهانی و فرصتی برای دریافت توجه‌های الهی است که از قضا برخی مفهوم آن را با نیروانه بودایی یکی می‌دانند و به شباهت‌های زیادی میان آنها اشاره کرده‌اند (Altizer, 1963: 105 - 117).

ملکوت در انجیل توماس

همان‌گونه که بیان شد ملکوت از اساسی‌ترین محورهای مطرح شده در مسیحیت است و این مفهوم در انجیل توماس نیز نقشی ویژه ایفا می‌کند و در بیش از هجده گفته^۵ به صراحت و در چند گفته دیگر^۶ به گونه ضمنی به آن اشاره شده است. هرچند عبارت «ملکوت خدا» در انجیل توماس استفاده نشده است؛ اما اصطلاح «ملکوت پدر» و «ملکوت آسمان» به کرات استفاده شده است؛ در واقع کلمه «خدا» فقط در گفته ۱۰۰ انجیل توماس ذکر شده است و بر همین اساس برخی معتقدند هر جا واژه «خدا» در همسان‌های انجیل هم‌نوا به کار رفته است، انجیل توماس بر اساس نظرگاه الهیاتی خود آن را حذف و «پدر» یا «آسمان» را جایگزین می‌کند (Grant, Freedman, 1960: 121).

درحقیقت در انجیل توماس در برابر انجیل رسمی شاهد رویکردهای متفاوتی درباره ملکوت هستیم؛ برای نمونه انجیل متی «یحیای تعمیددهنده» را «بزرگ‌تر» از هر کسی

می‌داند و می‌گوید از زمان او «ملکوت آسمان‌ها هدفی بوده است که انسان‌ها برای رسیدن به آن مصرانه تلاش کرده‌اند» (متی، ۱۱:۱۱ - ۱۲)؛ اما در انجیل توماس آمده است کسی که به ملکوت عیسی وارد شود، از یحیی برتر خواهد بود (گفته ۴۶)؛ درحالی که بر اساس متون رسمی (مانند متی، ۱۶: ۱۷ - ۱۹) کلید ملکوت آسمان به پطرس داده شده است. انجیل توماس ضمن رد این مطلب که راهیابی به ملکوت تنها از طریق شخص ثالث امکان‌پذیر است، شرط ورود به آن را روزه‌گرفتن از دنیا و اقامه [حقیقی] شنبه می‌داند و ثمره‌اش را ملاقات پدر عنوان می‌کند (گفته ۲۷).

ملکوت و تشبیهاتش

عیسی متون رسمی و غیررسمی بسیاری از تعالیم را از طریق مثل به مخاطبانش ارائه داده است (Pentecost, 1998: 10). استفاده از روش‌هایی چون تمثیل و تشبیه در جایگاه یک طریقه مرسوم آموزش و متناسب با سنت زمان عیسی، کاربردی روشن داشته است: تداعی معانی تعالیم روحانی غیرمحسوس از طریق تشبیه به مواردی محسوس و موجود در محیط. این مثل‌ها با همه زیبایی، ظاهری ساده دارند و حامل پیام‌هایی عمیق هستند که هدف‌شان شرح حقیقتی معنوی و با عظمت است که از دیده مردم پوشیده مانده است (Perkins, 2007: 105).

همانند اناجیل هم‌نوا بیشتر مثل‌های انجیل توماس مربوط به ملکوت است که در آنها نویسندگان تلاش دارد مفهوم آن را برای خواننده کتاب روشن کند (Scott, 1989: 33 - 4). گاهی ملکوت به ذره خردل تشبیه می‌شود (گفته ۲۰) که فرارسیدن ملکوت خدا را به عنوان یک روند تدریجی و نه یک رویداد ناگهانی توصیف می‌کند؛ به این معنا که دانه‌ای کوچک که شروع به رشد می‌کند و به مرور به یک درخت بزرگ ریشه‌دار بدل می‌شود (Koester, 2000).

(2/194) و بر این خاصیت مهم خردل، در جایگاه یکی از خالص‌ترین دانه‌ها تأکید می‌شود که به سادگی نمی‌توان جلوی رشدش را گرفت و آن را خشکانید (Crossan, 1991: 279).
تمثیل دیگر درباره مردی است که بذره‌های خوب گندم را مشفقانه در زمین می‌کارد؛ اما دشمنش شبانه دانه‌های علف‌هرز را میان بذر خوب می‌افشاند. آن مرد از بیم آنکه به اشتباه خوشه‌های گندم را به جای علف‌های هرز بکند، اجازه نمی‌دهد چیزی کنده شود؛ چراکه معتقد است در روز برداشت، علف‌های هرز به خوبی به چشم می‌آیند و می‌توان آنها را کند یا سوزاند (گفته ۵۷). برخی از پژوهشگران در تفسیر این مثل وجود علف‌های هرز و محصول خوب را نوعی دوگانه‌انگاری و تفکیک بین گنوسیان و غیرگنوسیان یا برگزیدگان و سایر افراد دانسته‌اند (Lüdemann, 1989: 619).

در گفته‌ای دیگر ملکوت به بازرگان تشبیه می‌شود که در طلب مرواریدی تمام متاع خود را می‌فروشد. انجیل توماس در اینجا به خواننده توصیه می‌کند در جستجوی «گنج پایدار و ماندگاری» باشد که «نه بیدی به آن می‌زند و نه کرمی تباهش می‌سازد» (گفته ۷۶)؛ بعضی از محققان «مروارید» را همان خود درونی و گوهر وجودی انسان و آنچه بید به آن می‌زند را بدن مادی و جسمانی در نظر گرفته‌اند (Grant, Freedman, 1960: 177). در جایی دیگر عیسی خود را آتش معرفی می‌کند (گفته ۸۲) که قرار است بر دنیا آتش بیفکند (گفته ۱۰ و ۱۶) و بیان می‌شود هرکه از عیسی و آتش دورتر، از ملکوت دورتر و هرکه به آنها نزدیک‌تر، به ملکوت نزدیک‌تر خواهد بود (گفته ۸۲). هرچند نزدیک شدن به آتش عیسی سوزاننده است؛ اما پذیرش این خطر کلید راهیابی به ملکوت عنوان می‌شود؛ پس هرکه از عیسی سر پیچد، از ملکوت خدا خارج می‌شود (Jeremias, 1960: 196).

در نمونه‌ای دیگر ملکوت پدر به زنی تشبیه شده است که اندکی خمیرمایه برداشته است و آن را با قدری خمیر می‌آمیزد و با آن قرص‌های بزرگی از نان می‌سازد (گفته ۹۶). تضاد بین کمی

خمیرمایه و بزرگی نان برای برخی از محققان جالب توجه بوده است (Wilson, 1960: 96) و بر این نکته تأکید دارد که اصولاً کارویژه خمیرمایه هرچند اندک باشد، تبدیل کل توده خمیر به نان و مصداق قابلیت به انجام رساندن کاری بزرگ است؛ نکته‌ای که در گفتارهای ۸ (ماهی بزرگ)، ۷۶ (مروارید) و ۱۰۷ (گوسفند پروار) نیز برجسته می‌نماید (Jeremias, 1960: 148).

یکی از مثل‌های انجیل توماس که در آثار مسیحیت نخستین بدون مشابه و همسان می‌نماید (Meyer, 1992: 103)، تشبیه ملکوت به زنی است که کوزه‌ای پر از بلغور حمل می‌کند و در راهی گام برمی‌دارد. او متوجه شکستگی کوزه نیست و حین قدم برداشتن، بلغور پشت سرش بر زمین می‌ریزد و چون به خانه رسیده و کوزه را بر زمین می‌گذارد، آن را خالی می‌بیند (گفته ۹۷).^۷ هرچند از ظاهر عبارات این گفته نمی‌توان مفهومی قطعی برداشت کرد؛ اما به نظر می‌رسد از دست دادن تدریجی محتویات کوزه نشان‌دهنده دوری از ملکوت یا تقابل بین رسیدن به خانه و خالی دیدن کوزه است (Grant, Freedman, 1960: 187). برخی دیگر در تفسیر این گفته، کوزه پر را نشانه ملکوت (Funk and et al., 1993: 524) و برخی نیز آن را به معرفت تعبیر کردند (Bruce, 1974: 148). به هر حال این مثل توصیه و اندرزی برای سالک است که هر لحظه باید مراقب معرفت عطا شده به خود باشد (Lüdemann, 1989: 637).

عیسی در گفته‌ای دیگر ملکوت پدر را به فردی تشبیه می‌کند که می‌خواهد مرد نیرومندی را که وارد خانه‌اش شده است بکشد؛ در حالی که مرد است آیا دستانش یارای انجام خواسته‌اش را دارند یا خیر (گفته ۹۸). شاید «مرد نیرومند» کنایه از نفسانیت باشد؛ هرچند برخی احتمال داده‌اند اشاره‌ای به دنیا باشد که فرد می‌تواند با تکیه بر ملکوت آن را شکست دهد (Grant, Freedman, 1960: 188)؛ ولی به نظر می‌رسد این گفته به دلیل درجه تهاجمی بالای آن، مربوط به جوامع اولیه مسیحی است (Lüdemann, 1989: 637).

در مثلی دیگر ملکوت به شبانی^۱ مانند شده است که صد گوسفند دارد؛ یکی از آنها که پروارترین است، گم می‌شود. او ۹۹ گوسفند دیگر را رها می‌کند و به دنبال آن یکی می‌گردد و هنگامی که او پیدا می‌شود، به او می‌گوید: من تو را بیش از آن دیگر گوسفندها دوست دارم (گفته ۱۰۷). درباره این گفته برخی معتقدند منظور از گوسفند پروار، فرد گنوسی و برگزیده‌ای است که عیسی در جایگاه یک شبان از وی مراقبت می‌کند (Wilson, 1960: 95). در تفاسیری دیگر چوپان به یک گنوسی حقیقی تعبیر و گوسفند پروار مانند مثل مروارید و ماهی در گفتارهای ۸ و ۷۶ «معرفت راستین» دانسته می‌شود (Bruce, 1974: 641).

در جایی دیگر عیسی ملکوت را به مردی تشبیه می‌کند که گنجی پنهان در زمین خود دارد؛ اما از وجود آن بی‌خبر است. پس از مرگش آن زمین را برای پسرش که او هم از گنج بی‌خبر است، به ارث می‌گذارد. پسر آن زمین را می‌فروشد و آن‌که آن را می‌خرد، با کندوکاو گنج را می‌یابد و به هرکه می‌خواهد وام می‌دهد (گفته ۱۰۹). برخی این گفته را با افسانه‌ای یونانی (Meyer, 1992: 107) و برخی دیگر با حکایتی در میدراش هم‌ریشه می‌دانند که براساس آن فرد با رسیدن به گنج که همان ملکوت الهی است، قلب خود را مملو از شادی می‌بیند و از صمیم دل شروع به ایثار می‌کند (Jeremias, 1960: 32, 201). عده‌ای نیز به این معنا اشاره کرده‌اند که چون یهودیان قدر ملکوت الهی را ندانستند، این نعمت از ایشان گرفته شده و به دیگران عطا شده است یا شاید اشاره به آن باشد که هر کسی باید زمین وجود خود را بکاود تا گنج درونش را بیابد (Grant, Freedman, 1960: 194). از سوی دیگر اگر از منظری گنوسی به این گفته نگریسته شود، منظور از گنج، معرفت (گنوس) است که در وجود همه انسان‌ها نهاده شده است؛ اما تنها عیسی یا یک فرد گنوسی حقیقی می‌تواند خود را صاحب اصلی آن گنج بداند (Wilson, 1960: 94).

ویژگی‌های ملکوت

انجیل توماس برای ملکوت ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد و مشخص می‌کند چه کسانی به آن راه پیدا کرده و چه کسانی نمی‌توانند به آن ورود کنند. بر این اساس برای همه بلکه برای کسانی که «نزد عیسی» هستند و «اراده پدر» را محقق می‌سازند (گفته ۹۹)، «قابل ورود» است (گفتارهای ۲۲، ۳۹، ۶۴، ۷۵، ۹۹ و ۱۱۴) و در آن تأکید می‌شود دوری از عیسی در جایگاه نور و اساس همه چیز (گفته ۷۷)، فرد را از ملکوت دور می‌دارد (گفته ۸۲)؛ طرفه آنکه فریسیان و کاتبان یهودی افرادی معرفی می‌شوند که کلیدهای معرفت را پنهان می‌کنند و در نتیجه نه خود وارد ملکوت می‌شوند و نه به دیگران اجازه ورود می‌دهند (گفته ۳۹).

ملکوت از آن ثروتمندان و قدرت‌مداران نیست، بلکه متعلق به فقرا (گفته ۵۴) و کسانی است که به کودکان شبیه هستند (گفته ۲۲ و ۴۶)؛ همچنین مجرّدان و برگزیدگانی که روح‌شان متعلق به ملکوت است، به آنجا باز خواهند گشت (گفته ۴۹ و ۵۰). انجیل توماس ملکوت را «دست‌یافتنی» (گفته ۴۹)، آشنا (گفته ۴۶) و متعلق به پدر (گفتارهای ۵۷، ۷۶، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹ و ۱۱۳) توصیف می‌کند و درحالی‌که برای رسیدن به ملکوت باید روحی زنده داشت و مرد شد (گفته ۱۱۴)، هم‌زمان بر «همسان‌کردن نرو و ماده» و «نفی نگاه جنسیتی» و «از بین بردن تضادهای درونی» و «رسیدن به وحدت» در جایگاه شرط ورود به ملکوت تأکید می‌شود (گفته ۲۲)؛ موضوعی که برخی از پژوهشگران آن را نشان از تأثیر عمیق مسیحیت زاهدانه اِدسا بر انجیل توماس می‌دانند (Chilton, 1998: 69).

زمان و مکان ملکوت

عیسی بر اساس اناجیل هم‌نوا ملکوت را بشارت داد و گفت بردگان آزاد می‌شوند، بیماران شفامی‌یابند، ستم‌دیدگان رهایی‌پیدامی‌کنند و هماهنگی در کل جهان حکم‌فرمامی‌شود.

مرقس می‌گوید حواریون انتظار داشتند این واقعه قریب‌الوقوع باشد و در زمان حیات‌شان روی دهد؛ چون عیسی گفته بود برخی از آنان زنده خواهند ماند تا «ملکوت خدا را ببینند که با قدرت می‌آید» (مرقس، ۱:۹، ۱۴:۶۲؛ لوقا، ۱۳:۲۹؛ بر سر سفره خدا خواهند آمد) و در جای دیگر می‌گوید عیسی پیش از دستگیری‌اش هشدار داد هرچند «امروز آخر کار نیست» (مرقس، ۱۳:۵-۷)؛ اما آنان باید هر لحظه در انتظار ملکوت باشند. در یک دید کلی اناجیل هم‌نوا اصرار دارند ملکوت را امری توصیف‌کننده در آینده و در عالم خارج ظاهر خواهد شد؛^۹ تمرکز بر «آمدن» ملکوت است (متی، ۶:۱۰؛ لوقا، ۱۱:۲)، ملکوتی که شخص باید آن را به «ارث» ببرد (متی، ۲۵:۳۴؛ اوّل قرن‌تیان، ۶:۹-۱۰، ۱۵:۵۰؛ غلاطیان، ۵:۲۱)؛ بر همین اساس راست‌کیشان عیسی را پادشاه‌خدایی (مرقس، ۸:۲۷-۲۹) و ملکوت را امری تاریخی می‌دانستند.

در دیگر سو آنچه انجیل توماس تصویری ساده‌لوحانه دانسته و رد می‌کند، ملکوتی تاریخی و فرانسیده است که اناجیل عهد جدید آن را تأیید می‌کنند و از تعالیم عیسی می‌دانند (پیگلز، ۱۳۹۵: ص ۱۷۶). انجیل توماس ملکوت را از «مکان‌های پدر» (گفته ۶۴) و امری همیشه موجود و عنصری برای نجات بشر معرفی می‌کند که نه از طریق حوادث واقعی جهان بیرون، بلکه از رهگذر تغییرات درونی فرد به دست می‌آید.

وقتی شاگردان از زمان «آمدن» ملکوت صحبت می‌کنند (گفته ۱۱۳)، عیسی پاسخ می‌دهد ملکوت در همه جا گسترده شده و بر قابل مشاهده بودن و حضور ملکوت میان انسان‌ها تأکید می‌کند (Grant, Freedman, 1960: 196 - 7)، نکته‌ای که همه گمانه‌زنی‌ها در مورد تاریخ وقوع ملکوت را رد می‌کند (Lüdemann, 1989: 644) و هیچ نشانی از وقوع حوادث در آینده در آن یافت نمی‌شود؛ به یک معنا ملکوت در انجیل توماس «نه آخرالزمانی و نه فرجام‌شناسانه» است (King, 1987: 48 - 97).

هرچند در برخی گفته‌ها نوعی انتظار آینده مشاهده می‌شود (گفته ۷۹)؛ اما این موضوع به طور مشخص به ملکوت مربوط نیست؛ زیرا حتی درهم پیچیده شدن آسمان‌ها و زمین نیز هیچ تأثیری بر آن ندارد (گفته ۱۱ و ۱۱۱). عیسی رسیدن به ملکوت را از طریق اعمال شرعی نمی‌داند و حتی می‌گوید روزه گرفتن را گناه، نماز را نکوهیده و صدقه را مذموم می‌داند^۱ (گفته ۱۴) و معتقد است این اعمال شرعی از آن رو بیهوده‌اند که فرد منتظر پاداش انجام آنها در آینده است؛ درحالی‌که باید ملکوت را «اینجا و اکنون» دریابد (Grant, Freedman, 1960: 196 - 7).

ملکوت؛ حاصل جستجو و خودشناسی

عیسایِ توماس پیشوایان دینی و رهبران مذهبی را که برداشتی ظاهری از ملکوت خدا دارند و آن را مکان خاصی می‌پندارند، به دیده استهزا می‌نگرد (Crossan, 1999: 314) (5) و می‌گوید: «اگر آنان به شما بگویند: بنگرید ملکوت در آسمان است، در این حالت پرندگان آسمان بر شما پیشی بسته‌اند. اگر ایشان به شما بگویند آن در دریاست، در این حالت ماهیان از شما پیشی بسته‌اند، بلکه ملکوت درون شماست و بیرون شماست؛ چون بخواهید خودتان را بشناسید، شناخته می‌شوید و درمی‌یابید که شما پسران پدر زنده؛ اما اگر خود را بشناسید، در مسکنت به سر می‌برید و شما پسران مسکنت» (گفته ۳).

ورود به ملکوت با تلاش و جستجوی باطنی فرد که اهمیت آن در گفتارهای متعددی از انجیل توماس مانند گفتارهای ۲، ۲۴، ۹۲، ۹۴ مورد تأکید قرار گرفته است، ارتباط وثیقی دارد (Gathercole, 2014: 205). در واقع انجیل توماس بصیرت نورانی ناشی از خودشناسی را تدریجی و آن را منوط به تلاش فرد می‌داند. ریشه این نورانیت درونی نیز

بر طبق بسیاری از کتب گنوسی، در خود فرد به ودیعه نهاده شده است (Teachings of Silvanus, 1990: 381 - 90) و فرد باید جدّ و جهد نماید تا «بداند از کجا آمده و به کجا خواهد رفت» (Gospel of Truth, 1990: 42) و به خود پردازد تا بیابد (گفته ۲). در این جایگاه همه هستی حتی ملکوت خدا درون فرد هویدا می شود که «ملکوت در درون شماست ... وقتی به شناخت خود می رسید، شناخته می شود و می فهمید که پسران پدر زنده اید» (گفته ۳)؛ چراکه سالکان معتقدند «هرکه خود را شناخته، هیچ ندانسته است؛ اما آن که خود را شناخته، به عمق معرفت همه چیز رسیده است» (Book of Thomas the Contender, 1990: 201). بر این مبنا پژوهشگری این گونه استنتاج می کند که ورود به ملکوت، ثمره نوعی خودشناسی ناشی از «تحول در فهم» (transformed consciousness) فرد است (پیگلز، ۱۳۹۵: ۱۷۵)؛ امری که کتاب ثانوی باروخ نیز به آن اشاره دارد: «آیا کسی به آسمان بالا رفته و حکمت یافته است؟ آیا کسی با او از فراز ابرها برگشته است؟ آیا کسی از دریا عبور کرده و او را کشف کرده است؟ آیا کسی او را با سکه طلا خریداری کرده است؟» (Baruch, 2009: chap.3/ 216)

طبق گفته ۴۹ و ۵۰ انجیل توماس آگاهی از مکان اولیه و منشأ فرد در رابطه با ملکوت و جهان هستی با سرانجام پس از مرگ او مرتبط است؛ زیرا برای رستگاری و نجات باید به پرسش هایی که در مورد هویت و ویژگی های روح پرسیده می شود، پاسخ گفت؛ فرد باید بداند روحش از ملکوت نورانی است و در نهایت به آنجا باز می گردد و همین امر بر ارتباط مهم خودشناسی و ملکوت دلالت دارد. انجیل توماس به وجود هم زمان ملکوت در «درون و بیرون» (گفته ۳) اشاره دارد که مؤید حضور آن در هر زمان و هر کجاست و تأکید آن بر «درون» مؤید تفاوت نظرگاه آموزه های انجیل توماس یعنی الهیات خودشناسی با دیگر مکاتب مسیحی هم عصرش است (Gathercole, 2014: 210)؛

موضوعی که هیپولیتوس را بر آن داشت که اظهار دارد: «اعتقاد به این امر که ملکوت آسمان را باید درون انسان جستجو کرد، در زمره بدعتِ بدعت‌گذارانی است که انجیلی به نام توماس دارند» (Hippolytus, 1886: 5/89).

اما حواریون که «ملکوت» را با رخدادی در آینده اشتباه می‌گرفتند، بر پرسش خود اصرار داشتند: «چه هنگام جهان جدید واقع می‌شود؟ ایشان را گفت: آنچه در پی‌اش می‌گردید هم اکنون واقع شده است، لیک آن را باز نمی‌شناسید» (گفته ۵۱). آنها باز از او می‌پرسند: «ملکوت چه وقت خواهد آمد؟» و عیسی پاسخ می‌گوید: «انتظار فرا نمی‌رسد. چنان نیست که بگوییم اینجاست یا آنجاست. اما ملکوت پدر بر روی زمین گسترده شده است و مردم آن را نمی‌بینند» (گفته ۱۱۳). از آنجا که مشخص کردن مکانی خاص چون آسمان، زمین یا دریا برای ملکوت اشتباه است (گفته ۳)، پس از منظر انجیل توماس اصولاً ملکوت نه مکان خاصی دارد و نه زمان ویژه‌ای برای رسیدن به آن، بلکه نداشتن بصیرت مردم و حتی درک نکردن حواریون عیسی از ملکوت است که آن را نمی‌بینند (Crossan, 1999: 314 - 5)؛ به همین دلیل به نظر می‌رسد منظور از «آنچه را در منظر شماست باز شناسید» (گفته ۵)، همان ملکوتی باشد که وقتی سالک واقعی معرفت لازم را به دست آورد، آن نادیدنی را با تمام شگفتی‌های خود بر او آشکار می‌کند (Gathercole, 2014: 221).

ساخت هویتی جدید

انجیل توماس که اندیشه نجات آخرالزمانی و فرجام‌شناسانه را به سخره می‌گیرد، نگاهش را به گذشته معطوف می‌کند؛ به لحظه‌ای قبل از گناه آدم و حوا، به زمانی قبل از اینکه به دو موجود مستقل تقسیم شوند و تنها یک آدم فاقد جنسیت (androgynous Adam) بودند. این

الهیات که بینش اصلی آن رسیدن وحدت و تبدیل دو به یک است، در جای جای انجیل توماس^{۱۲} مشاهده شدنی است (Crossan, 1991: 267).

انجیل توماس در گفته ۷۰ از ظاهرکردن آنچه اکنون درون خود داریم، صحبت می‌کند؛ اما در گفته ۲۲ از جایگزینی ظاهر با باطن سخن به میان آمده است و بر اصلاح خود و ساخت هویت جدید تأکید می‌شود و شرط ورود به ملکوت را تشبّه به «کودکان» و «یکپارچه‌سازی درون و بیرون» می‌داند: «این نوزادان شیرخوار به آنان که به ملکوت وارد می‌شوند، شبیه‌اند. ایشان او را گفتند: پس ما نیز چونان کودکان به ملکوت وارد می‌شویم؟ عیسی بدیشان گفت: هرگاه دو را یکی سازید و هرگاه درون را چون بیرون و بیرون را چون درون سازید و بالا را چون پایین، و هنگامی که نرینه را با مادینه همسان سازید... آن‌گاه وارد ملکوت می‌شوید» که نشان از وحدت و بازگشت به نقطه آغاز است (Gathercole, 2014: 155)؛ نکته‌ای که کلمنت اسکندرانی یکی از پدران کلیسا و متوفای ۲۱۵ م. در کشکول خود و در قالب گفتگوی عیسی و سالومه به آن اشاره می‌کند: «سالومه پرسید که چه موقع می‌توانم پاسخ سؤالات خود را بدانم؟ خداوند گفت: هنگامی که ردای شرم را زیر پای گذاری، و زمانی که دو یکی شود، و نر با ماده جمع گردد و نه مردی باشد و نه زنی» (Clement of Alexandria, 1885: 2/656).

طبق تفسیر گنوسی انجیل توماس، اصطلاح کودکی و ملکوت به این موضوع اشاره دارد که فرد برای تشرّف در طریقه‌های عرفانی گنوسی باید جنسیت خود را به کناری می‌نهد (گفته ۲۲) و «دو را یکی می‌کرد» که دیگر «نه مردی در میان باشد و نه زنی» (گفته ۱۰۶) (Crossan, 2008: 323). در یکی از رسائل منسوب به کلمنت رومی، پاپ کلیسای کاتولیک و متوفای ۹۹ م. هم می‌خوانیم: «پروردگار خودش هنگامی که شخص خاصی از او پرسید که چه وقت ملکوتش فرا می‌رسد، فرمود: هنگامی که دو یکی گردند، و ظاهر

مانند باطن، و نر با ماده یکی شوند. اکنون که دویکی شده است و وقتی ما از اعماق درون خودمان حقیقت را بیان می‌کنیم، در دو بدن تنها یک روح پاک و بدون حیل و وجود دارد؛ بنابراین به همان روشی که بدن خود را ظاهر می‌کنید، بگذارید روح شما نیز با کارهای خوب خود آشکار شود. منظور او از یکی شدن نر با ماده این است که یک برادر که یک خواهر را می‌بیند، نباید او را به مثابه یک جنس ماده در نظر بگیرد و یک خواهر که یک برادر را می‌بیند، نباید او را نر فرض کند. او گفت: اگر این کارها را بکنید، ملکوت پدر من خواهد آمد» (Clement of Rome, 1907: 90).

درحقیقت هدف اصلی در انجیل توماس، ساختن وجودی جدید و حقیقی است که باید جانشین شخصیت جسمانی و مادی فرد شود.^{۱۳} باید تصویر کنونی را رها کرد و به شکل آغازین بازگشت (گفته ۸۴)؛ آغازی که همان پایان است و این با شناختن منشأ خودمان فهمیده می‌شود: «هرکه آغاز را بشناسد، ملکوت را نیز درمی‌یابد» (گفته ۱۸). فرد با شناختن منشأ خود درمی‌یابد که ملکوت امری ازلی و ابدی است؛ یعنی ابتدا بررسی تجربه انسانی و آن‌گاه کشف حقایق الهی (Marjanen, 1998: 126) از سویی دیگر عیسی مانند پدر بی‌زمان و همواره موجود است (گفته ۱۹) و هر که بتواند حقیقت ملکوت را دریابد، بسان عیسی می‌شود و به یکی بودن آغاز، پایان، عیسی و ملکوت پی می‌برد (Miller, 1967: 54)؛ بر همین اساس تجربه کردن جهان جدید، ملکوت نور، صلح و زندگی حقیقی مستلزم «خلع» لباس جسمانی، «عبور» از لاشه فاسد کنونی و بریدن دل از دنیای دون است (Koester, 2000: 2/125).

نتیجه

انجیل توماس در بیش از هجده گفته به ملکوت اشاره صریح و ضمنی کرده است و بر خلاف اناجیل رسمی که عموماً ملکوت را آخرالزمانی می‌دانند، آن را امری غیرتاریخی و

همیشه موجود که اینجا و اکنون است، معرفی می‌کند. این متن غیررسمی بیان می‌کند کسانی که نزد عیسی هستند و اراده پدر را محقق می‌سازند، می‌توانند وارد ملکوت شوند که تنها از آن فقرا و برگزیدگان است. ملکوت دست‌یافتنی، آشنا و متعلق به پدر توصیف می‌گردد و گفته می‌شود که کسب آن بر اثر یک سیر تدریجی و نه یک رویداد ناگهانی است. شرط ورود به ملکوت همسان‌کردن نرینگی و مادگی، از بین بردن تضادهای درونی و رسیدن به وحدت است و ریشه آن در خود درونی و گوهر وجودی انسان می‌باشد و دستیابی به آن منوط به تلاش و جستجوی باطنی فرد است. سالک باید هر لحظه مراقب معرفت عطا شده به خود باشد و بداند ملکوت از رهگذر تغییرات درونی و ساخت هویتی جدید به دست می‌آید و نه از طریق حوادث واقعی جهان بیرون. به بیان دیگر ملکوت موهبت و عطایی از عالم بالاست که تنها برای سالکان قابل دستیابی است؛ اما با این وجود کسب ملکوت و ورود به آن با خودشناسی سالک و در نتیجه کسب تجرّد و وحدت حاصل می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. منصور معتمدی در «هفت آسمان» (پاییز و زمستان ۱۳۷۸، شماره ۳ و ۴، ص ۵۰-۱۳۵)؛ م. توسلیان در انجیل توماس (تهران، نیایش، ۱۳۹۴) و ابوالقاسم اسماعیل پورمطلق در ادبیات گنوسی (تهران، هیرمند، ۱۳۹۵، ص ۴۱-۲۲۵) متن انجیل توماس را ترجمه کرده‌اند.
۲. این واژه در عبری به معنای سکون و با کلمه «سکینه» در عربی هم‌ریشه است؛ واژه‌ای که در قرآن کریم شش بار به کار رفته است و به نوعی حالت آرامش درونی ناشی از ایمان و حضور الهی که موجب ثبات قدم می‌گردد، دلالت دارد.
۳. برای اطلاعات بیشتر درباره مفهوم «ملکوت خدا» در عهد قدیم و جدید، ر.ک:

Beasley-Murray, George R., *Jesus and the Kingdom of God*, Wm. B. Eerdmans-Lightning Source, 1988.

۴. برخی ضمن تأکید بر اینکه اصطلاح «ملکوت آسمان» در انجیل متی همان معنای «ملکوت خدا» را دارد، بر این باورند که این کاربرد احتمالاً به دلیل پیشینه یهودی مخاطبین آن و کراهت نام‌بردن مکرر کلمه «خدا» بوده است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک:

Turner, David (2008), Matthew, Baker Academic, p. 41.

برخی دیگر با رد ادعای فوق، کاربرد «ملکوت خدا» در متی را نشان‌دهنده قلمرو زمینی آن می‌دانند که مخالفان عیسی تصور می‌کردند در آن ساکن هستند؛ درحالی‌که «ملکوت آسمان» نمایان از قلمروی معنوی و حقیقی عیسی و پیروانش است:

Foster, Robert (2002), "Why on Earth Use Kingdom of Heaven? Matthew's Terminology Revisited", New Testament Studies, no. 48.4, pp. 487-99.

۵. گفتارهای ۳، ۲۰، ۲۲، ۲۷، ۴۶، ۴۹، ۵۴، ۵۷، ۷۶، ۸۲، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۳ و ۱۱۴.

۶. گفتارهای ۶، ۳۹، ۵۱، ۶۴ و ۶۸.

۷. مقایسه کنید این گفته را با حکایت «متابعت نصاری وزیر را» از مولانا در دفتر اول مثنوی (ابیات، ۸۲ - ۳۷۷).

۸. مقایسه شود با لوقا، ۱۵: ۴ - ۷ و متی، ۱۸: ۱۲ - ۱۴.

۹. البته این اناجیل در معدودی از فرازها (مثلاً لوقا، ۱۷: ۲۱) ملکوت را فرارسیده معرفی می‌کنند.

۱۰. از آنجاکه مسیحیت نخستین اصولاً یک طریقه عرفانی بوده و برای ارائه مسیری برای سلوک و ارتقای معنوی مؤمنین طرح‌ریزی شده، در انجیل توماس در جایگاه یک متن اصیل و کهن مسیحیت شاهد هستیم که رفتار مزورانه فریسیان مورد انتقاد قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل عیسی شاگردانش را به این موضوع توجه می‌دهد که باید نیت خود را تصحیح کنند و بدانند عملی که از قلب فرد سرچشمه نگرفته باشد، چیزی جز ریا و لاجرم باطل نیست. به عبارت دیگر در انجیل توماس اعمال شریعت نفی نمی‌شوند، بلکه گفتارها با هدف تلنگرزدن به مخاطب و متوجه کردن او به معنای باطنی و حقیقت اعمال تنظیم شده‌اند.

۱۱. در این باره کتاب مزامیر مانی نیز بر وجود ملکوت در درون و بیرون تأکید دارد: «بنگر که ملکوت آسمان درون ماست، بنگر که خارج از ماست. اگر به آن ایمان داشته باشیم، برای همیشه در آن زندگی خواهیم کرد»:

A Manichaean Psalm Book: Part II (۱۹۳۸), Charles R. Allberry (ed.), Stuttgart, Kohlhammer, p: 160.

۱۲. از جمله گفتارهای ۴، ۱۱، ۱۶، ۲۲، ۲۳، ۳۷، ۴۹، ۷۵ و ۱۰۶.

۱۳. در همین باره می‌توان اشاره کرد به حدیث عیسی (ع) که فرمود: «لَنْ يَلِجَ مَلَكُوتَ السَّمَاءِ مَنْ لَمْ يُؤَلِّدْ مَرَّتَيْنِ» که در آن مراد از تولد ثانوی، مرگ اختیاری و میلاد طفل معنوی روحانی است که حاصل «من عرف نفسه» ذکر شده و موجب بازشدن چشم دل و دیدن ملکوت خواهد شد. مولوی هم به این مرگ اختیاری و تولد ثانوی اشاره دارد و می‌گوید:

مرگ تبدیلی که در نوری روی نه چنان مرگی که در گوری روی

کتاب‌نامه

شولم، گرشوم (۱۳۹۲ ش)؛ گرایش‌ها و مکاتب اصلی عرفان یهود؛ قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
پیگلز، الین (۱۳۹۵ ش)؛ انجیل‌های گنوسی؛ ترجمه: ماشاء‌الله کوچکی میبیدی؛ چ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.

Altizer, Thomas (1963), "Nirvana and Kingdom of God", *The Journal of Religion*, vol. 43, no. 2.

Baruch (2009), In *The Apocrypha: Including Books from the Ethiopic Bible*, Compiled by Joseph Lumpkin, Fifth Estate.

Benz, Ernst (2008), *The Eastern Orthodox Church: Its Thought and Life*, Routledge.

Bets, Hans and et al. (2010), *Religion Past and Present: Encyclopedia of Theology and Religion*, Boston, Brill.

Bruce, Frederick (1974), *Jesus and Christian Origins Outside the New Testament*, Eerdmans Pub Co.

Burge, Gary (2014), "Gospel of John", In *The Routledge Encyclopedia of the Historical Jesus*, Evans, Craig A. (ed.), Routledge.

Chilton, Bruce and Evans, Craig (1998), *Studying the Historical Jesus*, Brill.

- Clement of Alexandria (1885), *Stromata*, Translated by William Wilson, In *The Apostolic Fathers*, Philip Schaff (ed.), Christian Classics Ethereal Library.
- Clement of Rome (1907), *An Ancient Homily*, In *The Apostolic Fathers*, Translated by Joseph B. Lightfoot, New York, Macmillan.
- Cross, Frank and Livingstone, Elizabeth (1997), “Kingdom of God”, In *The Oxford Dictionary of the Christian Church*, 3rd ed., Oxford University Press.
- Crossan, John (1991), *The Historical Jesus: The Life of a Mediterranean Jewish Peasant*, San Francisco, HarperCollins.
- Crossan, John (1999), *The Birth of Christianity: Discovering What Happened in the Years Immediately After the Execution of Jesus*, San Francisco, HarperOne.
- Crossan, John (2008), *In Fragments: The Aphorisms of Jesus*, Wipf and Stock.
- Crowley, Aleister (1994), *Magick* (Book Four), Weiser Books.
- Dunn, James and Rogerson, John (2003), *Eerdmans Commentary on the Bible*.
- Ehrman, Bart (2003), *Lost Scriptures*, Oxford University Press.
- Erickson, Millard (2001), *Introducing Christian Doctrine*, 2nd ed., Baker Academic.
- Foster, Robert (2002), “Why on Earth Use Kingdom of Heaven? Matthew’s Terminology Revisited”, *New Testament Studies*, no. 48.4.
- France, Richard (2003), *Divine Government: God’s Kingship in the Gospel of Mark*, Regent College Publishing.
- Funk, Robert, and et al. (1993), *The Five Gospels: The Search for the Authentic Words of Jesus*, San Francisco, Harper San Francisco.
- Gathercole, Simon (2014), *The Gospel of Thomas; Introduction and Commentary*, Brill, Leiden.
- Grant, Robert and Freedman, David (1960), *The Secret Sayings of Jesus according to The Gospel of Thomas*, Fontana Books.
- Grenz, Stanley (2000), *Theology for the Community of God*, 7th ed., Eerdmans.
- Hippolytus (1886), *The Refutation of All Heresies*, Translated by J. MacMahon, In *The Apostolic fathers*, Philip Schaff (ed.), Christian Classics Ethereal Library.
- Jeremias, Joachim (2003), *Parables of Jesus*, Student Christian Movement Press.
- King, Karen (1987), “Kingdom in the Gospel of Thomas”, *Foundations and Facets Forum*, no. 3.

- Koester, Helmut (2000), Introduction to the New Testament, 2nd ed., Walter de Gruyter.
- Leon-Dufour, Xavier (1967), "Kingdom of God", In *Dictionary of Biblical Theology*, New York, Desclee Co.
- Lüdemann, Gerd (2001), *Jesus After 2000 Years*, Prometheus.
- Marjanen, Antti (1998), "Is Thomas a Gnostic Gospel?", In *Thomas at the Crossroads: Essays on The Gospel of Thomas*, Risto Uro (ed.), Edinburgh, Clark.
- Meyer, Marvin (1992), *The Gospel of Thomas: The Hidden Sayings of Jesus*, San Francisco, Harper & Collins.
- Miller, Betsey (1967), "A Study of the Theme of Kingdom, the Gospel According to Thomas: Logion 18", *Novum Testamentum*, vol. 9.
- Origen (1996), *Homilies on Luke*, in *The Library of Fathers of the Holy Catholic Church*, Translated by Joseph Lienhard, The Catholic University of America.
- Pentecost, John D. (1998), *The Parables of Jesus: Lessons in Life from the Master Teacher*, Kregel Publications.
- Perkins, Pheme (2007), *Introduction to the Synoptic Gospels*, Wm. B. Eerdmans.
- Rahner, Karl (2004), *Encyclopedia of Theology*, Burns & Oates.
- Robinson, James M. (1990), *The Nag Hammadi Library*, 3rd ed., San Francisco, Harper One.
- Rudolph, Kurt (1987), *Gnosis: The Nature & History of Gnosticism*, Translated by Robert McLachlan Wilson, Harper San Francisco
- Safra, Jacob E., "Kingdom of God", in *Britannica Encyclopedia of World Religions*, 2006.
- Scott, Bernard (1989), *Hear Then the Parable: A Commentary on the Parables of Jesus*, Fortress Press.
- Teachings of Silvanus* (1990), In *The Nag Hammadi Library*, 3rd ed., Robinson, James M., (ed.), San Francisco, Harper One.
- Unterman, Alan and et al. (2007), "Shekhinah" in *Encyclopaedia Judaica*, M. Berenbaum & F. Skolnik (eds.), 2nd ed., 2007.
- Vanhoozer, Kevin and Wright, Nicholas (2006), *Dictionary for Theological Interpretation of the Bible*, Baker Academic.
- Wilson, Robert McL. (1960), *Studies in Gospel of Thomas*, A. R. Mowbray & Co. Limited

References

- Altizer, Thomas. 1963. "Nirvana and Kingdom of God." *The Journal of Religion* 43, no. 2: 105-17.
- Baruch. 2009. In *The Apocrypha: Including Books from the Ethiopic Bible*, edited by Joseph Lumpkin. Blountsville, Alabama: Fifth Estate.
- Benz, Ernst. 2008. *The Eastern Orthodox Church: Its Thought and Life*. London: Routledge.
- Betz, Hans Dieter. 2007. *Religion past & present: encyclopedia of theology and religion*. Brill.
- Bruce, Frederick. 1974. *Jesus and Christian Origins Outside the New Testament*. Grand Rapids, Michigan: Eerdmans Publishing Co.
- Burge, Gary. 2014. "Gospel of John." In *The Routledge Encyclopedia of the Historical Jesus*, edited by Craig A. Evans. London: Routledge.
- Chilton, Bruce and Craig Evans. 1998. *Studying the Historical Jesus*. Leiden: Brill.
- Clement of Alexandria. 1885. *Stromata*. Translated by William Wilson. In *The Apostolic Fathers*, edited by Philip Schaff. Grand Rapids, Michigan: Christian Classics Ethereal Library.
- Clement of Rome. 1907. *An Ancient Homily*. In *The Apostolic Fathers*. Translated by Joseph B. Lightfoot. New York: Macmillan.
- Cross, Frank and Elizabeth Livingstone. 1997. "Kingdom of God." In *The Oxford Dictionary of the Christian Church*. Oxford: Oxford University Press.
- Crossan, John. 1991. *The Historical Jesus: The Life of a Mediterranean Jewish Peasant*. San Francisco: HarperCollins.
- Crossan, John. 1999. *The Birth of Christianity: Discovering What Happened in the Years Immediately After the Execution of Jesus*. San Francisco: HarperOne.
- Crossan, John. 2008. In *Fragments: The Aphorisms of Jesus*. Wipf and Stock.
- Crowley, Aleister. 1994. *Magick*. Newburyport, MA: Weiser Books.
- Dunn, James and John Rogerson. 2003. *Eerdmans Commentary on the Bible*. Grand Rapids, Michigan: Wm. B. Eerdmans Publishing.
- Ehrman, Bart. 2003. *Lost Scriptures*. Oxford: Oxford University Press.
- Erickson, Millard. 2001. *Introducing Christian Doctrine*. Ada, Michigan: Baker Academic.

- Foster, Robert. 2002. "Why on Earth Use Kingdom of Heaven? Matthew's Terminology Revisited." *New Testament Studies* 48, no. 4: 487-99.
- France, Richard. 2003. *Divine Government: God's Kingship in the Gospel of Mark*. Vancouver, BC: Regent College Publishing.
- Funk, Robert, and Roy W. Hoover. 1993. *The Five Gospels: The Search for the Authentic Words of Jesus*. San Francisco: Harper San Francisco.
- Gathercole, Simon. 2014. *The Gospel of Thomas; Introduction and Commentary*. Leiden: Brill.
- Grant, Robert and David Freedman. 1960. *The Secret Sayings of Jesus according to The Gospel of Thomas*. Glasgow: Fontana Books.
- Grenz, Stanley. 2000. *Theology for the Community of God*. Grand Rapids, Michigan: Eerdmans.
- Hippolytus. 1886. *The Refutation of All Heresies*. Translated by J. MacMahon. In *The Apostolic fathers*, edited by Philip Schaff. Grand Rapids, Michigan: Christian Classics Ethereal Library.
- Jeremias, Joachim. 2003. *Parables of Jesus*. London: Student Christian Movement Press.
- King, Karen. 1987. "Kingdom in the Gospel of Thomas." *Foundations and Facets Forum* 3, no. 1: 48-97.
- Koester, Helmut. 2000. *Introduction to the New Testament*. Berlin: Walter de Gruyter.
- Leon-Dufour, Xavier. 1967. "Kingdom of God." In *Dictionary of Biblical Theology*. New York: Desclee Co.
- Lüdemann, Gerd. 2001. *Jesus After 2000 Years*. Amherst, New York: Prometheus.
- Marjanen, Antti. 1998. "Is Thomas a Gnostic Gospel?" In *Thomas at the Crossroads: Essays on The Gospel of Thomas*, edited by Risto Uro. Edinburgh: Clark.
- Meyer, Marvin. 1992. *The Gospel of Thomas: The Hidden Sayings of Jesus*. San Francisco: Harper & Collins.
- Miller, Betsey. 1967. "A Study of the Theme of Kingdom, the Gospel According to Thomas: Logion 18", *Novum Testamentum* 9, no. 1: 52-60.
- Origen. 1996. *Homilies on Luke*. in *The Library of Fathers of the Holy Catholic Church*. Translated by Joseph Lienhard. Washington DC: The Catholic University of America.
- Pagels, Elaine. 1395 Sh. *Injīl-hāyi ganūsī [The Gnostic Gospels]*. Translated by Mashallah Koochaki Meibodi. Tehran: Elmi va Farhangi.

- Pentecost, John D. 1998. *The Parables of Jesus: Lessons in Life from the Master Teacher*. Grand Rapids, Michigan: Kregel Publications.
- Perkins, Pheme. 2007. *Introduction to the Synoptic Gospels*. Grand Rapids, Michigan: Wm. B. Eerdmans.
- Rahner, Karl. 2004. *Encyclopedia of Theology*. London: Burns & Oates.
- Robinson, James M. 1990. *The Nag Hammadi Library*. San Francisco: Harper One.
- Rudolph, Kurt. 1987. *Gnosis: The Nature & History of Gnosticism*. Translated by Robert McLachlan Wilson. San Francisco: Harper.
- Safra, Jacob E. 2006. "Kingdom of God." In *Britannica Encyclopedia of World Religions*.
- Scholem, Gershom. 1392 Sh. *Girāyish-hā va makātib-i aṣṭī-yi 'irfān-i Yahūd* [Major Trends in Jewish Mysticism]. Qom: University of Religions and Denominations.
- Scott, Bernard. 1989. *Hear Then the Parable: A Commentary on the Parables of Jesus*. Minneapolis, MN: Fortress Press.
- Teachings of Silvanus. 1990. In *The Nag Hammadi Library*, edited by James M. Robinson. San Francisco: Harper One.
- Unterman, Alan. 2007. "Shekhinah." In *Encyclopaedia Judaica*, edited by M. Berenbaum & F. Skolnik. Jerusalem: Keter Publishing House.
- Vanhoozer, Kevin and Nicholas Wright. 2006. *Dictionary for Theological Interpretation of the Bible*. Ada, Michigan: Baker Academic.
- Wilson, Robert McLachlan. 1960. *Studies in Gospel of Thomas*. Birmingham: A. R. Mowbray & Co. Limited.